

یادداشت‌های عاشورایی (۱)

گروه‌های خوبان در کتاب خدا با اوصاف و عناوینی مانند محسنین، محبتین، مؤمنین، مطهرین، شهداء و صدیقین و... یاد شده‌اند. یکی از این گروه‌ها «صابرین» هستند. خداوند تنها و تنها برای این گروه فرمود: ﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (زمر/۱۰) اجر صابرین بی حساب، یعنی بی شمار است. قدر متیقن از این پاداش برای صابران، در صورتی است که شیعیان امام حسین (علیه السلام) افزون بر صبر بر اطاعت محض و مدام از امام که اطاعت از خداست (من اطاعکم فقد اطاع الله) مصیبت شهادت امام بر آنان جانکاه و سخت باشد که به تعبیر زیارت عاشورا در این سطح دیده شود: «جَلَّتْ وَعَظُمَتْ مَصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ» به گونه‌ای که نتوان مصیبتی دردناک‌تر و شکننده‌تر و عظیم‌تر از آن تصور کرد.

شیعیان در صورتی به عمق این مصیبت پی می‌برند و به پاداش صابران به غیر حساب نایل می‌شوند که جایگاه امام خود را در نظام آفرینش و هدایت‌های تکوینی و تشریعی و به طور کلی مقوله امامت را حداقل در کتاب خدا در آیه ۱۲۴ بقره - که آیه کانونی امامت در قرآن است - بشناسند تا بدانند امامت، موضوعی ژرف و پر بها و مقامی بس والاست و مقامی برتر از آن نیست. از آن چه گفتیم می‌توان نتیجه گرفت:

اولاً: آن چه که در روایات درباره پاداش مصائب سید الشهداء برای شیعیان گفته شده ریشه در قرآن دارد و به نحوی موافق با قرآن است؛ ثانیاً: خداوند، راهی برای امامیه گشوده تا به پاداش به غیر حساب (بی شمار) نایل شود ولی باید مقدمات آنها را حداقل با معرفت به امام خود فراهم کند؛

ثالثاً: امامیه باید از حضرت یعقوب در مصیبت بر فراق یوسف الگو بگیرد که فرمود: ﴿فَصَبِّرْ جَمِيلًا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾ (یوسف/۱۸) حضرت یعقوب در عین «صبر جمیل» بر مصیبت فراق یوسف آن قدر اندوهناک شد که چشمان خود را از دست داد (یوسف/۸۴) چون تنها او قدر یوسف و جایگاه او را می‌شناخت.

یادداشت‌های عاشورایی (۲)

بن مایه و پایه زیارت عاشورا «تولی و تبری» است که محکم‌ترین دستگیره برای نیل به کمال و قرب خداست؛ تولی و محبت اولیای خدا به خاطر خدا و تبری و دشمنی با دشمنان خدا به خاطر خدا و چون این تولی و تبری تنها برای خدا باشد (هیچ چشم‌داشتی و اثری که به خود انسان برگردد ندارد و تنها و تنها برای خداست)، هیچ عملی با آن برابری نمی‌کند و آثار و پاداش آن قابل محاسبه نیست.

این حقیقت را می‌توان در تعالیم دینی دید، مانند این حدیث قدسی مضمّن که مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۲۴ از کتاب السید ناصح الدین ابی البرکات نقل می‌کند: «إِنَّهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِمُوسَى (علیه السلام) هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَطَّ قَالَ الْهِيَ صَلَاتِي لَكَ وَصُمْتُ لَكَ وَتَصَدَّقْتُ وَذَكَرْتُكَ كَثِيرًا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَمَا الصَّلَاةُ فَلَاكَ بَرَهَانٌ وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ وَالصَّدَقَةُ وَالزَّكَاةُ نُورٌ وَذِكْرُكَ لِي قُصُورٌ [ای: لعل قصور فی الجنة] فَأَيَّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِي؟ قَالَ مُوسَى ذُلَّنِي عَلَى الْعَمَلِ الَّذِي هُوَ لَكَ قَالَ يَا مُوسَى هَلْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا قَطَّ وَهَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطَّ فَعَلِمَ مُوسَى أَنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبَّ فِي اللَّهِ وَالْبَغْضَ فِي اللَّهِ».

از آن چه گفتیم می‌توان دو نتیجه مهم گرفت:

۱. پاداش‌های تعزیه و زیارت سید الشهداء تا حدودی قابل درک می‌شود چون این اعمال کشف از محبت به سید الشهداء و یاران او و عداوت نسبت به دشمنان آنان دارد و تحت دستورالعملی قرار می‌گیرد که خداوند به موسی (علیه السلام) آموخت.

۲. چون در بافت و محتوای زیارت عاشورا درنگ کنیم سایر معارف و نیز همه خواهش‌ها و دعاها و درخواست‌ها را در پرتو همین دو رکن تولی و تبری می‌بینیم، به گونه‌ای که تولی و تبری بستر و سکوی پرواز دعاها برای رسیدن به هدف اجابت است گویی هیچ زمینه و بستری برای اتصال و ارتباط با حقتعالی و اجابت درخواست‌ها، همانند تبری و تولی نیست؛ چون جایگاه این دو بسی والا و کیمیای انسان‌سازی برای تقرب به خداست.